

روایتی درباره ساخت مسجد جامع گوه‌رشاد که یکی از زیباترین مساجد ایران است

تاریخی به رنگ فیروزه

اردلان / کوچک‌زاده
گوه‌ر آبی‌رنگ مشهد، که همیشه کانون حوادث تاریخی مهم مشهد قدیم بوده، مسجدی باقی‌مانده از عصر تیموری است که اسمش یادگار و ماندگارکننده نام بانی ساخت آن است؛ «گوه‌رشاد».مرحوم‌کاظم‌مدیرشانه‌چی در مقاله‌ای به همین نام می‌نویسد: «گوه‌رشادآغا، دختر امیر غیاث‌الدین ترخان است و ترخان مترادف عنوان «آغاجی» است که منصب خاصی در دستگاه سلاطین و امراء ماوراءالنهر و خراسان بوده است. صاحب این منصب در واقع واسطه‌ای میان سلطان و رعیت بوده تا مشکلات و دغدغه مردم را شنیده و نزد سلطان باز گوید». شاید این دیدار نزدیک با رعایا و شنیدن مشکلاتشان بوده که گوه‌رشاد را از ابتدا آن گونه بار آورده است که درد طبقه عامه را بشناسد و بداند ایجاد زمینه‌های کسب دانش و ترقی فرهنگ، یکی از راه‌های کمک به جامعه است؛ جامعه‌ای که بعدها وقتی عنوان شهپانویی کنار نامش می‌نشیند، غم‌خوار و دستگیرشان می‌شود. او در ادامه مدرسه و مساجدی را در خراسان و هرات می‌سازد و به یادگار می‌گذارد تا کامل‌کننده

● آغاز ساخت مسجد گوه‌رشاد
اما چه می‌شود که مسجد گوه‌رشاد با این عظمت سقف و ستون می‌خورد؟ مکتوبات تاریخی می‌گویند سال‌ها پس از خاموش شدن آتشی ویرانگری گنیز در دشت خراسان، شاه‌رخ میرزا بر اریکه سلطنت تکیه می‌زند و با تأیید پدرش، گوه‌رشادخاتون را که دختر یکی از امرای نامی تیمور گورکانی بود، به همسری برمی‌گزیند. او که زنی ادیب و دانش‌دوست بوده است، تصمیم می‌گیرد با توسعه مراکز فرهنگی، خاندان تیموری را که تا پیش از آن به‌سبب خون‌ریزی‌های تیمور لنگ در نظر مردم، مشتی‌جانی و غارتگر شناخته می‌شدند، به قومی دانش‌دوست و فرهنگ‌پرور تبدیل کند. این تغییر وجه حاصل نمی‌شود مگر با ساخت مسجد و مدرسه، آن هم در زمانه‌ای که هنوز بوی سوخته‌شدن کتاب‌ها و کتابخانه‌های نیشابور در دماغ مردم مانده بود.
روایت است پس از آنکه بایسنقر میرزا، از طرف پدرش، شاه‌رخ، به حکومت خراسان غربی که مرکز آن مشهد بوده، است‌منسوب می‌شود، به‌توصیه مادرش، سنگ بنای مسجد گوه‌رشاد را بنا می‌نهد. گوه‌رشاد خود نیز پس از این دستور، برای زیارت و نظارت بر ساخت مسجد جامع به مشهد می‌آید و در نخستین گام، قدق‌بدلی طلا به وزن ۴ هزار مثقال را پیشکش حرم رضوی می‌کند و فرمان می‌دهد در مکان فعلی محله چهارباغ، باغ و کاخی بزرگ احداث کنند تا هر وقت به زیارت حرم مختصر می‌شود، در آنجا استراحت کند. او در ادامه، زمینی یک‌هکتاری در کنار حرم حضرت‌رضا^(ع) می‌خرد و به‌قوام‌الدین شیرازی که در آن روزگار، نامی‌ترین معمار خراسان بوده است، می‌گوید در آن، مسجدی با مناره و گلدسته بسازد. قوام نیز اطاعت امر می‌کند و چنان طرحی درمی‌اندازد که نظیرش را تا آن‌روزگار، نه‌کس دیده‌و نه‌شنیده بوده است. بنایی که استاد معماران خراسان می‌سازد، حدود ۲۰۰ تا ۳۰۰ مترمربع (روایت‌ها متفاوت است) وسعت داشته و شامل یک صحن بزرگ، یک ایوان رفیع در قبه‌صحن با گنبدی باشکوه روی آن، به‌اضافه دو مناره یا گلدسته در دو طرف گنبد، هفت سیستان (فضای سر پوشیده) و چند در ورودی می‌شده است. ساخت این مسجد عظیم و رواق‌های ضمیمه آن (دارالسیاده، دارالحفاظ و دارالسلام) حدود چهارسال (کاظم مدیر شانه‌چی معتقد است



عکس:مسجد حسن طرلاتی، شهرآرا



شاهکار هنرمندان کهن در محراب مسجد گوه‌رشاد

سفید در زمینه سورمه‌ای لاجوردی تیره به چشم می‌خورد که دورتادور آن را گل‌های ختایی گرفته است و کاشی‌های معرق و نقوش گیاهی ایوان دیده می‌شود. رنگ حاکم بر ایوان آب، ابی فیروزه‌ای است که روی زمینه آجر جلوه خاصی دارد. در پیشانی ایوان شرقی معروف به ایوان حاجی‌حسن نیز کتیبه‌ای با آیات سوره «سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى» نوشته‌شده و در دنباله آن، «سوره توحید آمده است. همچنین در سقف و بدنه‌های ایوان، کتیبه‌هایی با خط بنایی نوشته شده است. اما دکتر مهدی صحرارگرد در کتاب «شاهکارهای هنری در آستان قدس رضوی: کتیبه‌های مسجد گوه‌رشاد، منبعی ارزشمند در شناسایی روشمند کتیبه‌ها فراهم کرده که انتشارات به‌نشر در ۲۱۸ صفحه منتشر کرده است. صحرارگرد در کتاب خود کتیبه‌ها را از نظر متن، ترکیب خط و چگونگی ارتباط با بنا طبقه‌بندی و نام‌گذاری کرده است. از آنجا که بیشتر کتیبه‌های مسجد گوه‌رشاد به خط ثلث است، تمرکز اصلی این تحقیق در این مجلد بر کتیبه‌نگاری ثلث است. این اثر دارای تصاویر ارزشمندی از نماهای کلی، اجزای معماری و همه کتیبه‌های مسجد گوه‌رشاد است.

● وقف‌نامه گوه‌رشاد خاتون
حدود ۶۱۵ سال پیش، یکی از قدیمی‌ترین وقف‌نامه‌های خراسان و از گسترده‌ترین آن‌ها در سال ۸۲۹ قمری نوشته شده است. وقف‌نامه گوه‌رشاد بیگم، همسر شاه‌رخ میرزا تیموری که در سی و چهارسالگی دستور نوشتن آن را داده است. اصل وقف‌نامه در دسترس نیست اما بر حسب دستور واقف (گوه‌رشاد بیگم) هر چند سال تجدید سواد می‌شده است. وقف‌نامه گوه‌رشاد دارای یک مقدمه مفصل ادبی شامل حمد و ستایش خداوند، نعت نبی اکرم، مدح شاه‌رخ تیموری و ستایش

مسجد گوه‌رشاد در یک نگاه

مساحت: ۹ هزار و ۴۱۰ متر مربع	قدمت: دوره تیموری	معمار: قوام‌الدین شیرازی
اهمیت: سوای معماری منحصر به فرد و بی نظیر مسجد گوه‌رشاد، باید این مسجد را کانون بسیاری از رخدادها و رویدادهای مهم مشهد		
 در طول تاریخ به‌ویژه در دوران مبارزات مردم علیه رژیم پهلوی دانست.		
جاذبه‌های دیدنی مسجد گوه‌رشاد		
ایوان مقصوره: این ایوان، با حدود ۵۰۰ مترمربع مساحت، ۳۷متر طول و ۲۵/۵متر ارتفاع، از باشکوه‌ترین ایوان‌های مسجد و نمونه کامل و برجسته هنر ایرانی به شمار می‌رود. معماری ایوان مقصوره، همه با کاشی‌های معرق نفیس آراسته شده و در همه دیوارها و غرفه‌های آن اسمای الهی و آیات قرآن نقش خورده است.		
منبر صاحب‌الزمان^(ع): این منبر که در کنار محراب ایوان مقصوره قرار دارد، از چوب گردو و گلانی با شیوه منبت‌کاری و قلم‌زنی به دست پرتوان استاد محمد نجار خراسانی، منبت‌کار معروف عصر فتعلی‌شاه قاجار، ساخته شده و دارای بیش از ۵متر ارتفاع و ۱۴ پله است. یکی از عجایب هنری منبر صاحب‌الزمان ^(ع) این است که در بنای آن حتی یک عدد میخ چوبی یا فلزی کوبیده نشده است.		

مهم‌ترین حوادث و رویدادهای رخ‌داده در مسجد گوه‌رشاد

۱۰۸۴ هجری قمری: بخشی از بنای مسجد گوه‌رشاد در این سال به‌دلیل زلزله تخریب شد. این زلزله که کانون آن در نیشابور بوده است، سبب تخریب گنبد و ایوان‌های مسجد گوه‌رشاد، رواق‌ها، دارالحفاظ و دارالسیاده می‌شود که تا سال ۱۰۸۸ هجری قمری مرمت و بازسازی شد.
۱۳۱۴ خورشیدی: تجمع مردم مشهد در اعتراض به اجباری شدن طرح بر سر گذاشتن کلاه پهلوی در دوره رضاشاه، مسجد گوه‌رشاد را به میدان درگیری و کشتار تعداد زیادی از اهالی مشهد تبدیل کرد. در این حادثه بخش‌هایی از مسجد دچار خسارت شد.

۸۱۷ هجری قمری: مهدی سیدی سال ساخت مسجد گوه‌رشاد را در «کتاب موقوفات گوه‌رشاد، در این سال یعنی هم‌زمان با شروع حکمرانی بایسنقر میرزا، در مشهد نوشته است اما قدیمی‌ترین کتیبه باقی‌مانده از آن مربوط به سال ۸۲۱ هجری قمری است.
۱۳۳۰: پس از گلوله‌باران روس‌ها در این سال، گنبد و ایوان‌های مسجد صدمه دید. همین موضوع سبب شد گنبد، ایوان مقصوره و ایوان‌های شرقی و غربی مسجد در سال ۱۳۳۹ هجری قمری به‌طور اساسی بازسازی شود.

 مشهدیات
مشهدیات- گفتارهایی در باب تاریخ و فرهنگ شهر بهشت (قسمت دوم) روستاهایی که مشهدی شده‌اند! (بخش دوم)



تصویر قدیمی از آرامگاهخواجه ربیع سال۱۳۱۱هجری قمری (تنگن،سید عبدالقادر

مرصیبه ترابی
در قسمت قبل به تفصیل درباره پیوستن روستاهای اطراف مشهد به این شهر، صحبت کردیم. گفتیم که مشهد از دوره تیموری به این سو، به‌دلیل گسترش جغرافیایی و پیدا کردن جایگاه سیاسی، توسعه کمی و کیفی بسیاری پیدا کرد و تعداد زیادی از آبادی‌های اطراف شهر، به بخشی از آن تبدیل شدند؛ اما این رشد و پیشرفت، با احداث باروی اصلی مشهد توسط شاه‌تهماسپ یکم صفوی، متوقف شد و دلیل آن هم، غلبه اهمیت امنیتی بر توسعه جغرافیایی بود، از یک‌ها هر وقت فرصت پیدا می‌کردند به‌سوی مشهد می‌تاختند و به همین دلیل، صلاح این بود که مردم، پشت باروهای تثبیت‌شده شهر روزگار بگذرانند. بعدها هم، در دوره قاجار، ترکمن‌ها جای ازبکان را گرفتند و امنیت، چنان که باید، برقرار نبود. تا اینکه از اواخر دوره قاجار به این سو، با کم‌شدن شتاب حملات، توسعه جغرافیایی شهر مشهد دوباره در دستور کار قرار گرفت و به این ترتیب، تعداد زیادی از روستاها و آبادی‌های اطراف مشهد، وارد حریم شهری آن شدند. در قسمت قبل، به بخش شمالی باروی مشهد و روستاها و مزارعی که از این قسمت به شهر مشهد پیوستند و امروزه بخشی از محدوده شهری محسوب می‌شوند، اشاراتی کردیم، در ادامه، با هم به بررسی دیگر جوانب شهر خواهیم پرداخت.

بخش غربی: احتمالاً از کسانی که علاقه‌مند به سرمایه‌گذاری در حوزه زمین و مسکن هستند، شنیده‌اید که توسعه مشهد به‌سمت گلپهار و طبقه است، یعنی به طرف غرب. این ادعا البته عملاً اثبات شده و رشد قیمت و سرعت توسعه در این بخش از مشهد، بسیار زیاد است، آن قدر که فضای قدیمی و محدوده مشهد قدیم را به‌سمت شرق رانده و مرکزیت جغرافیایی شهر را به‌سوی غرب مشهد کشانده است. دلیل این اقدام، فقط طمع سرمایه‌گذاران و تمرکز آن‌ها بر اراضی این منطقه نیست. شاید خیلی‌ها ندانند که ارتفاع شهر مشهد در سمت غرب بیشتر و لاجرم، صاحب آب و هوای بهتری است. از قدیم‌الایام بخش مهمی از فضای سبز و باغ‌های مشهد در این منطقه قرار داشت و دو محله قدیمی سراب و بالاخیابان از مناطق اعیان‌نشین شهر بودند. درباره این مناطق بعدها مفصل صحبت می‌کنیم، الان فقط ذکر مختصری بود تا ذهن شما برای پذیرش دلایل گسترش مشهد به‌سمت غرب قانع شود. روستاها و مزارعی که از این سمت مشهدی شده‌اند، زیادند و در این بخش مختصر، نمی‌توانیم به نام و سرگذشت همه آن‌ها اشاره کنیم، به همین دلیل، معرفی را به تعدادی از روستاها و مزارع که کمتر درباره آن‌ها صحبت شده‌است، محدود کردیم تا مشتی نمونه خروار باشد و همین‌جا وعده می‌دهیم که در آینده، به‌طور مستقل، تاریخ برخی از مکان‌های مطرح‌نشده در این نوشتار را برای شما عزیزان تعریف کنیم.

● سمرقند
قدیمی‌ترین نمونه مورد بررسی، شاید «سمرقند» باشد که نام آن در متون قدیمی قرن نُهَم هم وجود دارد. سمرقند در قدیم، فاصله نسبتاً زیادی از مشهد داشت و بر سر راه مزار خواجه ربیع واقع بود. ناصرالدین‌شاه که از دروازه بالاخیابان برای حرکت به سمت خواجه ربیع استفاده کرده، در سفرنامه خود آورده که از سمرقند نیز گذشته‌است. سمرقند به‌دلیل قرار گرفتن دریک مسیر زیارتی، سریع توسعه پیدا کرد و به‌تدریج، اطراف آن گذرها و محلات تازه شکل گرفت. این روستا، طبق متون نه‌چندان قدیمی، قنات مستقل و پرآب و مزارع بزرگ کاشت‌گندم و باغات میوه داشت که بازمین‌های امین‌آباد، در شرق، هم‌رمز بودند. امروزه محدوده سمرقند را باید جای در دو سوی خیابان عبادی (خیابان خواجه ربیع قدیم)، بعد از چهارراه راه‌آهن جست‌وجو کرد. در بخشی از کوچه‌های غربی این محدوده، هنوز هم می‌توان رد و نشان کوچه‌های روستای قدیمی سمرقند را یافت.

● نگاه(نکاح)
از آبادی‌های دیگری که از سمت غرب به مشهد پیوستند، می‌توان به قریه «نکاه» یا «نکاح» اشاره کرد، نام آن را به هر دو صورت می‌نویسند که احتمالاً شکل اول درست‌تر باشد. قریه نکاه یکی از سرسبزترین روستاهای اطراف مشهد بود، باغ‌های نکاه شاید آبادترین و مرغوب‌ترین باغ‌های اطراف مشهد به حساب می‌آمدند. این روستا به‌طور حدودی، امروزه از جنوب به خیابان عبدالمطلب و از شرق به بولوار شهید کریمی محدود می‌شود. به احتمال زیاد، قبرستان آرامنه مشهد را که دست‌کم از سال ۱۲۹۰ خورشیدی در مکان فعلی ساخته‌شد، روی برخی از اراضی جنوبی روستای نکاه ساخته‌اند. این روستا، از اواخر دهه ۱۳۴۰ به این سو، به‌تدریج وارد فضای شهری مشهد شد و امروزه، با کمال تأسف و تأثر، کمترین نشانی از آن باغ‌های مصفا وجود ندارد و معدود درختان تنومند به‌یادگارمانده از آن نیز، طی دو دهه اخیر ریشه‌کن شد تا جای خودش را به جهنم سیمان و فولاد بدهد. تا چند سال قبل، نام روستای نکاه بر خیابان عبدالمطلب ۲۰ باقی بود و خبر از پیشینه این منطقه می‌داد. اما اخیراً نام آن را به خیابان «رئوف» تغییر داده‌اند تا مسجد ابوالفضلی نکاح (واقع در نکاح /رئوف۷)، تنها بازمانده آن روستای سرسبز و قدیمی در محدوده شهری مشهد باشد.

● قلعه آبکوه

نام آبکوه از آن نام‌های قدیمی در تاریخ مشهد است که به‌دلیل داشتن قنات‌های پرآب شهرت داشته است و البته دارد. این روستا در زمان‌های قدیم، با یک باروی نسبتاً مستحکم، محصور بود و در داخل آن، عموم نیازهای روستاییان تأمین و تولید می‌شد. برخی بر این باورند که وجود چنین قلعه‌هایی در اطراف شهر مشهد، به‌نوعی حالت‌ضربه‌گیر داشته‌و از شدت تاخت‌و‌تا؛ مهاجمانی مانند ازبک‌ها به شهر می‌کاسته‌است. قدمت روستای آبکوه، احتمالاً باید هم‌سنگ قریه سناباد باشد، هرچند در متون تاریخی، کمتر نشانی می‌توان از آن یافت. خوشبختانه هنوز هم بقایای بافت روستایی آبکوه، در گوشه‌و کنار ضلع شمالی خیابان شهید دستغیب دیده می‌شود و اهالی این منطقه، هنوز دل‌بستگی‌های بسیاری به پیشینه خود دارند. پیوستن قلعه آبکوه به شهر مشهد، طی نیم‌قرن گذشته آغاز شد و امروز، تقریباً در مرکز شهر مشهد قرار گرفته‌است. در محل بنای سازمان انتقال خون، در ابتدای خیابان سناباد، روزی روزگاری، قبرستان روستای آبکوه قرار داشت.

شهریار

۵شنبه
۱۳۰۱ هجری قمری
۹ ربیع‌الاول ۱۴۴۴
شماره ۳۷۷۶



تاریخ و هویت